

مدیریت ورزشی - پاییز ۱۳۸۹
شماره ۶- ص ص : ۱۱۹ - ۱۰۱
تاریخ دریافت : ۸۸ / ۱۰ / ۳۰
تاریخ تصویب : ۸۹ / ۰۲ / ۰۴

نقش آموزش‌های رسمی و برنامه‌های کمک‌درسی رشته تربیت بدنی در مقطع کارشناسی‌ارشد در تأمین مهارت کارآفرینی دانشجویان از نظر دانش‌آموختگان

ابوالفضل فراهانی^۱ - محمود گودرزی - ندا نادری
استاد دانشگاه پیام نور، دانشیار دانشگاه تهران، کارشناس ارشد تربیت بدنی

چکیده

یکی از اهداف و وظایف مهم نظام آموزشی هر کشور، پرورش نیروی انسانی متخصص و کارآمد مورد نیاز جامعه است. تأمین کارآمدتر نیروی متخصص، مستلزم هدفمند کردن محتوای درسی و مجموعه مفاهیمی است که دانشجویان در قالب آموزش‌های رسمی و غیررسمی طی سنوات تحصیل فرامی‌گیرند. گزینش محتوای درسی مرتبط با بازار کار، دانش‌آموختگان را کارآشنا تر پرورش خواهد داد. هدف از این پژوهش، بررسی نقش آموزش‌های رسمی و برنامه‌های کمک‌درسی رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی مقطع کارشناسی‌ارشد در راستای تأمین مهارت کارآفرینی دانش‌آموختگان از نظر دانشجویان سال آخر است. جامعه آماری پژوهش کلیه دانشجویان سال آخر رشته تربیت بدنی عمومی در مقطع کارشناسی‌ارشد دانشگاه‌های دولتی کشور بودند که تعداد آنها در سال تحصیلی ۸۹ - ۱۳۸۸، ۸۹ نفر بود. باتوجه به محدودیت جامعه آماری تحقیق، کل جامعه آماری به‌عنوان نمونه آماری مورد آزمون قرار گرفت. روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش، توصیفی-پیمایشی بود. برای گردآوری داده‌ها، از پرسشنامه محقق‌ساخته شامل ۶ سؤال پاسخ بسته در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت برای دانشجویان استفاده شد که روایی آن توسط استادان تربیت بدنی تأیید و پایایی آن با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ ۰/۸۳ محاسبه شد. نتایج پژوهش نشان داد که دانشجویان محتوای دروس تخصصی تربیت بدنی را در ارتقای زمینه‌های نظری، پرورش مهارت کارآفرینی مناسب تشخیص داده‌اند (۴۵/۶۳٪). ولی از پرورش زمینه‌های عملی آن چندان راضی نبودند و توجه عناصر مختلف برنامه‌های درسی رشته تربیت بدنی را در تأمین مهارت‌های فنی، شخصی و مدیریتی کارآفرینی ضعیف می‌دانند (۴۱/۴۹٪). همچنین نتایج نشان داد دانشجویان نقش برنامه‌های فرادرس را در آشنایی دانش‌آموختگان با بازار کار و کارآفرینی مؤثر می‌دانند (۴۴/۷۳٪) و در این میان به‌دلیل موانع و مشکلات موجود در دخالت و لزوم پشتیبانی دولت از فعالیت‌های کارآفرینان، اگر این فعالیت‌ها به بخش خصوصی واگذار شود، مسیر تحقیق کارآفرینی و خوداشتغالی دانش‌آموختگان دانشگاهی هموارتر می‌شود. نتایج پژوهش حاکی از آن است که بین دیدگاه دانشجویان دانشگاه‌های حضوری و دانشجویان دانشگاه‌های نیمه‌حضوری در مورد نقش کارگاه‌های آموزشی، پروژه‌های کارورزی، مشارکت در برگزاری رویدادهای ورزشی، دوره‌های مربیگری و داوری و نقش دولت در ارتقای روحیه کارآفرینی دانشجویان، تفاوت معنی‌دار آماری وجود ندارد (در همه موارد $P \geq 0/05$).

واژه‌های کلیدی

آموزش رسمی، برنامه کمک‌درسی، دانشجوی تربیت بدنی، کارآفرینی، مهارت‌های کارآفرینی.

مقدمه

آموزش عالی به‌عنوان یکی از منابع عظیم و غنی نقش مهمی در زندگی بشر دارد. با آنکه آموزش عالی در کشورهای در حال توسعه، فوق‌العاده پرهزینه و سرمایه‌بر است، باز هم تقاضا برای توسعه دانشگاه‌ها در این جوامع رو به تزاید است و هر ساله مبالغ فراوانی در این بخش سرمایه‌گذاری می‌شود، زیرا این باور عمومیت یافته که آموزش عالی را می‌توان نیروی محرکه تحولات اجتماعی و پیشرفت اقتصادی قلمداد کرد. بنابراین نیل به توسعه اقتصادی ایجاب می‌کند دانشگاه‌ها به‌عنوان مرکز تربیت نیروی انسانی متخصص و کانون تسهیل فناوری به‌سرعت گسترش یابند. در اغلب کشورهای در حال توسعه بازدهی اجتماعی افراد تحصیلکرده چندان زیاد نیست که این امر معلول این عوامل است: بیشتر رشته‌های دانشگاهی مورد نیاز واقعی جامعه نیستند و جامعه متحمل هزینه‌های هنگفتی می‌شود که در بلندمدت نیازهای اقتصادی و اجتماعی، آن را برآورده نمی‌سازد (۵).

ساختار اقتصادی جوامع آنچنان در حال تغییر است که مهارت‌ها، توانایی‌ها و قابلیت‌های جدید را افزایش می‌دهد. بنابراین بسیار مهم به‌نظر می‌رسد که سیاستگذاران ارشد تحولات و تغییرات اقتصادی و صنعتی را درک و روشن کنند که چگونه می‌توان نظام آموزش عالی را با این شرایط جدید تطبیق داد. توجه به این مسئله تا حد زیادی در کاهش نگرانی‌ها در مورد بیکاری وسیع دانش‌آموختگان مؤثر است. به همین دلیل، به‌منظور پاسخگویی به تقاضای بازار، کار برای نیروی کار ماهر و کارآمد همه کشورهای توسعه‌یافته به مقوله آموزش عالی دارند (۱۷).

آنچه طراحان و برنامه‌ریزان نظام آموزش عالی برای رشد و تربیت دانشجویان طراحی و برنامه‌ریزی می‌کنند، برنامه درسی رسمی است. برنامه درسی رسمی بیشتر جنبه نظری دارد و برای کاربردی شدن می‌توان از برنامه‌های کمک‌درسی در کنار آن استفاده کرد. برنامه‌های کمک‌درسی خارج از برنامه رسمی دانشگاه برای علاقه‌مندان ارائه می‌شود. این برنامه‌ها محتوا و جریان غیررسمی است که از طریق آن دانشجویان معلومات، شیوه درک و فهم را به‌دست می‌آورند و مهارت‌هایی را فرامی‌گیرند. برنامه‌های کمک‌درسی زمینه هدایت و راهنمایی شغلی را فراهم می‌سازد. این برنامه‌ها در راستای آموزش استعدادهای خاص فراگیران هستند و در آنها ایجاد خلاقیت، نوآوری و ابتکار می‌کنند و موجب رشد همه‌جانبه دانش می‌شوند.

برنامه های کمک درسی که برای تقویت مهارت های کارآفرینی در دانشجویان تربیت بدنی می توان ارائه کرد عبارتند از: کارگاه های آموزشی، پروژه های کارورزی، مشارکت در برگزاری رویدادهای بزرگ ورزشی و دوره های مربیگری و داوری. در کل هیچ دانشجویی برای تجربه عملی وجود ندارد و برنامه های فرادسی ابزاری برای تبدیل نظریه به عمل و همچنین تلاشی برای ایجاد پیوندهایی بین محیط عملی و مراکز آموزشی اند. همچنین این دوره ها موجب توسعه مهارت های حرفه ای فراگیران می شوند و به طور جدی آنها را در روند یادگیری درگیر می کنند.

کارآفرینی

کارآفرینی مفهوم عینی و عملی است که همزمان با آغاز زندگی انسان بر روی زمین و تلاش برای کسب درآمد و تأمین مایحتاج زندگی مطرح شد، اما طرح این مقوله به عنوان یک مفهوم علمی سابقه چندانی ندارد. ریچارد کانتیلون^۱ (۱۷۳۰)، اولین فردی بود که کارآفرین را چنین تعریف کرد: فردی است که ابزار تولید را به منظور ترکیب به صورت محصولاتی قابل عرضه به بازار خریداری می کند (۶). هیسریچ و همکاران^۲ فرایند کارآفرینی را خلق چیزی نو می دانند که با صرف وقت و تلاش بسیار و پذیرش خطرهای مالی، روحی و اجتماعی برای به دست آوردن منابع مالی، رضایت شخصی و استقلال توأم است. نتیجه این فرایند، فعالیت های منظمی است که خلاقیت و نوآوری را با نیازمندی ها و فرصت های بازار پیوند می دهد (۱۸). کارآفرینی یعنی تمایل به اعمال ریسک های حساب شده هم در زمینه شغلی و هم مالی و سپس انجام هر کاری که برای مزیت و امتیاز ممکن است (۱۳).

کارآفرینی نقش مهمی در رشد و شکوفایی اقتصادی و ایجاد اشتغال دارد و در نتیجه بسیاری از دولت ها به دنبال ارتقای کارآفرینی اند (۱۵). با توجه به وضعیت کمبود فرصت های شغلی برای دانش آموختگان، امروزه یکی از راهکارهای مهم برای بهبود اشتغال دانش آموختگان را گسترش مهارت های مرتبط با کارآفرینی می دانند. این امر، ضرورت تدوین آموزش کارآفرینی را در برنامه های درسی دانشجویان دانشگاه مورد اهمیت قرار می دهد. ضرورت اضافه کردن دو دالان جدید در وضعیت فعلی دانشگاه های کشور به عنوان مسیرهای جدید آموزش و

1 - R. Cantillon

2 - Hisrich, R. et al

پژوهش مورد توجه قرار گرفته است، به این معنا که تا به حال دانشگاه‌ها تنها در مسیر اول یعنی آموزش دانش تخصصی، به‌عنوان دانشجویان فعال بوده و به دو مسیر دیگر مهارت‌های کسب و کار و توانایی‌های کارآفرینی به‌عنوان جهت راهبردی برای آینده محتوای درسی برای دانشجویان، آنچنان که باید توجه نکرده‌اند (۷). آموزش کارآفرینی می‌تواند یکی از مؤثرترین شیوه‌ها برای تسهیل انتقال جمعیت مسئولیت‌پذیرتر به بازار کار باشد. مطالعات انجام شده در اروپا نشان می‌دهد که چنین آموزش‌هایی افراد را مسئولیت‌پذیرتر بارمی‌آورد و آنها را به کارآفرین یا متفکران حوزه کارآفرینی تبدیل می‌کند تا به‌طور موفقیت‌آمیزی در چالش‌های کسب و کار، موفق و خطرپذیر عمل کند. در نتیجه نرخ بیکاری و شکست کسب و کارها کمتر شده است (۱۷).

دابالین و آنی آدکول^۱ (۲۰۰۱) در تحقیقی موضوع بازار کار برای دانش‌آموختگان دانشگاهی در کشورهای در حال توسعه از جمله نیجریه را بررسی کردند. آنها دلایل کاهش کیفیت آموزش عالی نیجریه را یادگیری مطالب نامرتبط درسی و عدم ارتباط دانش آنان با بازار کار را از جمله عوامل بیکاری دانش‌آموختگان نیجریه ذکر کرده‌اند (۱۶). بهارون و شیخ احمد^۲ (۲۰۰۲) در پژوهشی دسترسی دانشجویان رشته‌های فنی به آموزش کارآفرینی را بررسی کردند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که یادگیری کارآفرینی، احتمال موفقیت دانشگاهی را ایجاد کسب و کار مستقل افزایش می‌دهد و تشویق رفتار کارآفرینانه دانشجویان در دانشگاه به این امر کمک می‌کند (۱۴). باقری (۱۳۸۴) نیز عنوان می‌کند که مهم‌ترین راه حل کاهش وابستگی اقتصادی به درآمدهای نفتی و بهبود وضعیت اشتغال در جامعه، توجه واقعی به کارآفرینی است و راهکارهای توسعه این فرهنگ در کشور را اینگونه بیان می‌کند: گسترش رقابت از راه کاهش انحصارهای دولتی و اصلاح قوانین و مقررات دست و پاگیر، تدوین و توسعه برنامه‌های آموزشی در تمامی سطوح برای پرورش استعدادها بالقوه و بروز خلاقیت‌های فردی و ایجاد بسترهای لازم برای سرمایه‌گذاری و افزایش حمایت‌های مالی دولت از متولیان امر (۲).

سان هانتز^۳ (۲۰۰۴) در پایان‌نامه دکتري خود با عنوان تجربیات آموزشی کارآفرینان، تأثیر سه نوع آموزش (رسمی، نیمه‌رسمی و غیررسمی) بر یادگیری مهارت‌های کارآفرینانه و این نوع آموزش‌ها به‌عنوان یک عامل

1 - Dabalen and Adekolao

2 - Baharun and Sheikh Ahmad

3 - Son - Hunter

حمایتی برای کارآفرینان در دستیابی به اطلاعات مهم و اساسی، تجربیات و مهارت‌های کارآفرینی عمل می‌کنند و به‌طور کلی آموزش رسمی به‌تنهایی تأثیر زیادی بر یادگیری کارآفرینی ندارد (۲۱). وارن و گیدئون^۱ (۲۰۰۵) با انجام پژوهشی در زمینه آموزش کارآفرینی، به ارائه یک برنامه درسی پرداختن که در آن مهارت‌های کارآفرینی، مهارت‌های کسب و کار، چگونگی ایجاد کسب و کارهای کوچک و شناخت منابع کسب ایده، محتوای این برنامه را تشکیل می‌داد (۲۲).

احمدزاده (۱۳۸۵) در پژوهشی میزان توجه برنامه درسی و دوره کارشناسی رشته علوم تربیتی به پرورش مهارت‌های کارآفرینی از دیدگاه دانش‌آموختگان را بررسی کرد. نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش نشان داد که به‌طور کلی دروس تخصصی رشته علوم تربیتی و عناصر برنامه درسی رشته علوم تربیتی به پرورش مهارت‌های شخصی، مدیریتی و فنی کارآفرینی توجه ندارند (۱). ملکی (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان کارآفرینی در دانشگاه-ها به مقایسه ارائه درس کارآفرینی در ایران و جهان پرداخته و عنوان می‌کند که ایجاد کارگروهی و تجزیه و تحلیل کار دیگر تیم‌ها و برگزاری کارگاه‌های آموزشی، راهکارهایی برای رسیدن به اهداف آموزش کارآفرینی‌اند (۱۲). برنان، وال و مک گوان^۲ (۲۰۰۵) در تحقیقی با عنوان کارآفرینی آکادمیک، به ارزیابی کارآفرینی در یک مجتمع دانشگاهی پرداختند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد تفکر رایج این است که شرایط دانشگاهی چه در بعد نظری و چه در بعد عملی، منعکس‌کننده ماهیت و طبیعت واقعی کارآفرینی نیستند (۱۹).

عزیزیان کهن (۱۳۸۸) در تحقیقی، نیازهای آموزشی دانشجویان رشته تربیت بدنی در راستای تقویت روحیه کارآفرینی را بررسی کرد. نتایج حاصل نشان داد که دانشجویان و کارفرمایان سرفصل و محتوای رشته تربیت بدنی را از نظر تئوری مناسب تشخیص می‌دهند ولی از محتوای دروس کاربردی و عملی برای ایجاد کارآفرینی چندان راضی نیستند و نقش دولت در حمایت از فعالیت‌های کارآفرینانه دانش‌آموختگان را مؤثرترین عامل ایجاد کارآفرینی بیان می‌کنند (۹).

طالبی و زارع یکتا (۱۳۸۷) به این نتیجه رسیدند که آموزش کارآفرینی در دو حالت ساخت‌یافته با برنامه-های آموزشی گوناگون و گاهی با صرف وقت زیاد یا کارگاه‌ها و سمینارهای آموزشی کوتاه‌مدت مورد توجه

1 - Vuuren and Gideon

2 - Brennan, Wall and McGowan

بیشتری قرار می‌گیرد (۸). حسینی لرگانی و همکاران (۱۳۸۷) به این نتیجه رسیدند که برگزاری کارگاه‌های آموزشی کارآفرینی دیجیتالی، کسب و کارهای الکترونیکی، سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های آموزشی و پژوهشی دانشگاه‌ها با ارزش‌های کارآفرینی، همکاری‌های علمی با مراکز آموزشی و پژوهشی کشورهای توسعه‌یافته، تبادل استاد و دانشجو و ... می‌تواند راهکارهای ارزشمندی برای ایجاد تفکر کارآفرینی و اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی باشد (۴). چاوشی (۱۳۸۸) در پژوهشی به این نتیجه رسید که سرفصل کارشناسی‌ارشد تربیت بدنی از نظر کارفرمایان با مهارت‌های کارآفرینی دانش‌آموختگان مطابقت ندارد. همچنین برنامه‌های کمک‌درسی در آشنایی دانش‌آموختگان با مهارت‌های کارآفرینی مؤثرند و دولت نقش مؤثری در حمایت از فعالیت‌های کارآفرینانه دانش‌آموختگان دارد (۳).

ورزش، جایگاهی مناسب و متنوع برای ایجاد اشتغال و تولید فرصت‌های جدید فعالیت اقتصادی است. با شناخت زمینه‌های کارآفرینی در ورزش، می‌توان فرصت‌های جدیدی را به کارآفرینان و جامعه معرفی کرد تا از آن برای پیشرفت و توسعه اقتصادی، اجتماعی بهره‌گیرند (۲۱).

با شرح مبانی نظری این پژوهش، بیان دستاوردهای مطالعاتی دیگر پژوهشگران و اعتقاد بر اینکه اگر نحوه آموزش و توانایی دانش‌آموختگان رشته تربیت بدنی با نیاز جامعه و بازار کار همخوانی داشته باشد، می‌توان به کارایی و بهره‌وری این رشته در جامعه امیدوار بود. همچنین اینکه آموزش‌های رسمی دانشگاهی بیشتر جنبه نظری دارند و برای کاربردی شدن آنها از برنامه‌های کمک‌درستی که از حالت نظری خارج شده و بیشتر جنبه کاربردی دارند، می‌توان در کنار آنها استفاده کرد که اغلب مرتبط با حوزه وظایف دانشگاه‌هاست. این پژوهش با روش مطالعاتی که بیان خواهد شد، درصدد بررسی نقش محتوای درسی و فرادرسی رشته تربیت بدنی در مقطع کارشناسی‌ارشد در تأمین مهارت کارآفرینی دانش‌آموختگان است.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی - پیمایشی است. برای گردآوری داده‌ها و پاسخ‌دهی به سؤالات اصلی تحقیق، از پرسشنامه محقق ساخته شامل ۶ سؤال بسته‌پاسخ در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت برای دانشجویان استفاده شد. در مجموع، پرسشنامه به چهار بخش تقسیم می‌شود که هر بخش زیرمجموعه‌هایی دارد. بخش اول پرسشنامه به میزان توجه دروس تخصصی رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی (گرایش عمومی) به پرورش مهارت-های کارآفرینی (شخصی، مدیریتی و فنی) و بخش دوم به میزان توجه عناصر مختلف برنامه درسی رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی (گرایش عمومی) به پرورش مهارت‌های کارآفرینی پرداخته می‌شود. بخش سوم، به تأثیر دوره‌های فرادرسی در آشنایی با بازار کار و کارآفرینی و بخش چهارم به تأثیر دخالت و پشتیبانی دولت در ارتقای کارآفرینی می‌پردازد. روایی این پرسشنامه توسط استادان تربیت بدنی و پایایی پرسشنامه از طریق روش آلفای کرونباخ ($\alpha = 0/83$) ارزیابی شد.

جامعه آماری پژوهش کلیه دانشجویان سال آخر رشته تربیت بدنی عمومی در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه‌های دولتی کشور شامل دانشگاه‌های تهران، پیام نور، اصفهان، فردوسی، مشهد، کردستان و بیرجند به تعداد ۸۹ نفر بودند. پرسشنامه‌ها بین تمامی اعضای جامعه توزیع و پس از جمع‌آوری، ۷۲ پرسشنامه یعنی ۱ درصد از کل پرسشنامه‌ها، عودت داده شد و ۱۷ پرسشنامه دیگر به دلایل مختلف از جمله عدم برگشت، ناقص بودن و ... حذف شدند و در نهایت ۷۲ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج و یافته‌های تحقیق

نتایج بررسی توصیفی مربوط به ویژگی‌های فردی در جدول ۱ ارائه شده است.

باتوجه به جدول ۱، ۵۵/۵ درصد دانشجویان مرد و ۴۴/۴ درصد زن بودند و از بین کل دانشجویان، ۶۲/۵ درصد شاغل و ۳۷/۵ درصد غیرشاغل‌اند و ۴۷/۲۲ درصد دانشجویان دانشگاه‌های حضوری و ۵۲/۷۷ درصد دانشجویان دانشگاه‌های نیمه‌حضوری هستند.

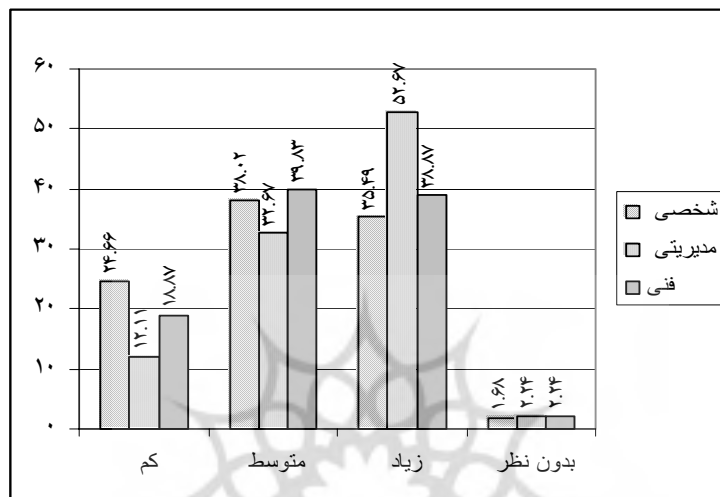
جدول ۱ - اطلاعات مربوط به ویژگی‌های فردی آزمودنی‌ها

شاخص آماری	جنسیت		وضعیت اشتغال		نوع نظام آموزشی	
	مرد	زن	شاغل	غیرشاغل	حضوری	نیمه حضوری
متغیرهای فردی	۴۰	۳۲	۴۵	۲۷	۳۴	۳۸
فراوانی						
درصد	۵۵/۵	۴۴/۴	۶۲/۵	۳۷/۵	۴۷/۲۲	۵۲/۷۷

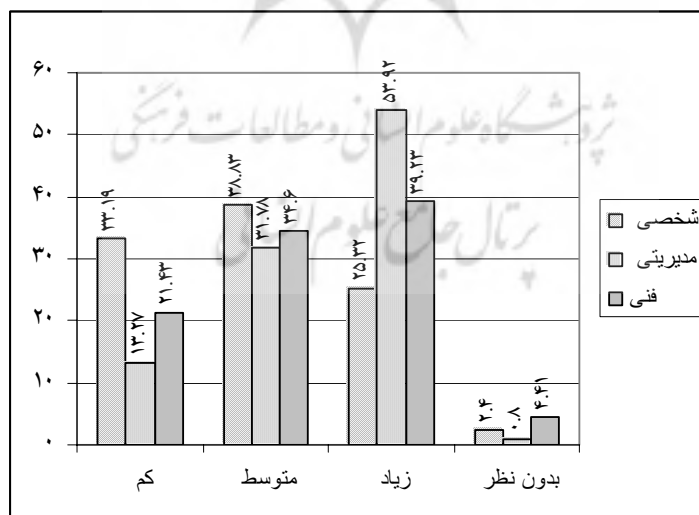
نتایج بررسی مربوط به میزان توجه دروس تخصصی در سه گروه دروس علوم انسانی، مبانی زیستی و پژوهشی رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی (گرایش عمومی) به پرورش مهارت‌های کارآفرینی، در جدول ۲ و شکل‌های ۱، ۲ و ۳ نشان داده شده است.

جدول ۲ - میزان توجه دروس تخصصی رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی (گرایش عمومی) به پرورش مهارت‌های کارآفرینی

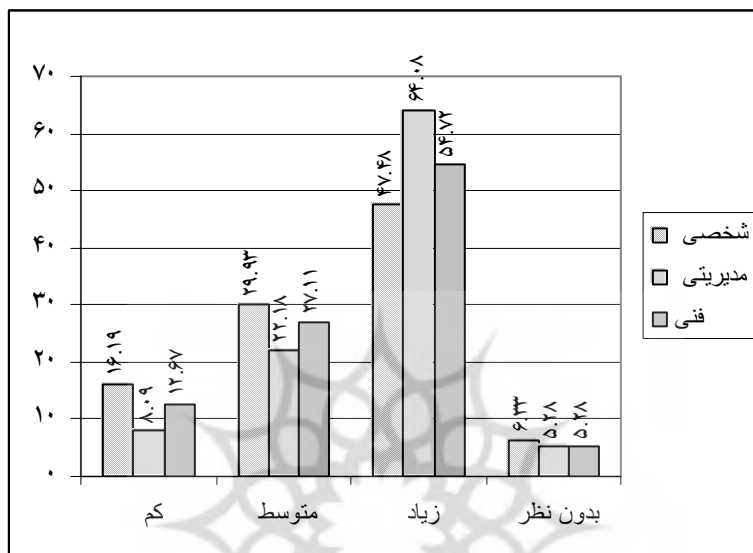
دروس تخصصی	مهارت‌های کارآفرینی	کم	متوسط	زیاد	بدون نظر
دروس علوم انسانی تربیت بدنی	شخصی	۲۴/۶۶	۳۸/۰۲	۳۵/۴۹	۱/۶۸
	مدیریتی	۱۲/۱۱	۳۲/۶۷	۵۲/۶۷	۲/۲۴
	فنی	۱۸/۸۷	۳۹/۸۳	۳۸/۸۷	۲/۲۴
دروس مبانی زیستی	شخصی	۳۳/۱۹	۳۸/۸۳	۲۵/۳۲	۲/۴۰
	مدیریتی	۱۳/۲۷	۳۱/۷۸	۵۳/۹۲	۰/۸۰
	فنی	۲۱/۴۳	۳۴/۶۰	۳۹/۲۳	۴/۴۱
دروس پژوهشگری و تربیت بدنی (روش تحقیق، آمار و ...)	شخصی	۱۶/۱۹	۲۹/۹۳	۴۷/۴۸	۶/۳۳
	مدیریتی	۸/۰۹	۲۲/۱۸	۶۴/۰۸	۵/۲۸
	فنی	۱۲/۶۷	۲۷/۱۱	۵۴/۷۲	۵/۲۸



شکل ۱ - میزان توجه گروه دروس علوم انسانی رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی (گرایش عمومی) به پرورش مهارت های کارآفرینی



شکل ۲ - میزان توجه گروه دروس مبانی زیستی رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی (گرایش عمومی) به پرورش مهارت های کارآفرینی



شکل ۳ - میزان توجه گروه دروس پژوهشی رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی (گرایش عمومی) به پرورش مهارت‌های کارآفرینی

باتوجه به جدول ۲ و شکل های ۱، ۲ و ۳، ۴۵/۳۳ درصد دانشجویان میزان توجه دروس تخصصی رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی (گرایش عمومی) به پرورش مهارت‌های کارآفرینی را زیاد ارزیابی کردند.

نتایج بررسی مربوط به اثر برنامه‌های فرادرسی (کارگاه‌های آموزشی، پروژه‌های کارورزی، مشارکت در برگزاری رویدادهای ورزشی و دوره‌های مربیگری و داوری) را در آشنایی دانش‌آموختگان با بازار کار و کارآفرینی، در جدول ۳ نشان داده شده است.

باتوجه به جدول ۳:

۴۵/۶۵ درصد دانشجویان با تأثیر کارگاه‌های آموزشی در آشنایی دانش‌آموختگان با بازار کار و کارآفرینی

موافق‌اند،

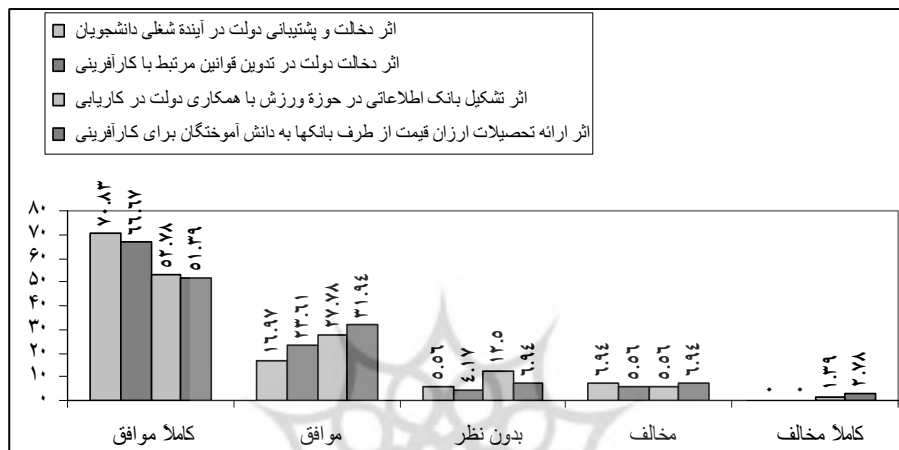
- ۴۴/۲۱ درصد دانشجویان با تأثیر پروژه های کارورزی و درس مبانی کارآفرینی در آشنایی دانش آموختگان با بازار کار و کارآفرینی موافق اند،

- ۴۷/۷۴ درصد دانشجویان با تأثیر مشارکت در برگزاری رویدادهای بزرگ ورزشی در آشنایی دانش آموختگان با بازار کار و کارآفرینی موافق اند،

- ۴۰/۲۷ درصد دانشجویان با تأثیر دوره های مربیگری و داوری در آشنایی دانش آموختگان با بازار کار و کارآفرینی کاملاً موافق اند.

جدول ۳ - تأثیر برنامه های فرادرسی در آشنایی دانشجویان با بازار کار و کارآفرینی

گویه	کاملاً مخالفم	مخالف	بدون نظر	موافق	کاملاً موافق
اثر کارگاه های آموزشی در آشنایی دانش آموختگان با بازار کار و کارآفرینی	۲۵/۲۵٪	۴۱/۸۶٪	۱۰/۰۶٪	۴۵/۶۵٪	۳۶/۸۰٪
اثر پروژه های کارورزی و درس مبانی کارآفرینی در آشنایی دانش آموختگان با بازار کار و کارآفرینی	۰/۴۶٪	۵۱/۷۸٪	۱۶/۴۳٪	۴۴/۲۱٪	۳۲/۸۷٪
اثر مشارکت در برگزاری رویدادهای ورزشی در آشنایی دانش آموختگان با بازار کار و کارآفرینی	۰٪	۴۱/۳۳٪	۱۰/۷۶٪	۴۷/۷۴٪	۳۷/۱۵٪
اثر دوره های مربیگری و داوری در آشنایی دانش آموختگان با بازار کار و کارآفرینی	۰/۶۹٪	۱۰/۰۶٪	۱۵/۹۷٪	۳۲/۶۳٪	۴۰/۲۷٪



شکل ۴- تأثیر دخالت و پشتیبانی دولت در ارتقای روحیه کارآفرینی دانشجویان

باتوجه به شکل ۴، ۶۰/۴۱ درصد دانشجویان با تأثیر دخالت و پشتیبانی دولت در ارتقای روحیه کارآفرینی دانشجویان کاملاً موافق‌اند.

نتایج بررسی آزمون فرضیه‌های تحقیق که به مقایسه دیدگاه دانشجویان دانشگاه‌های حضوری و نیمه-حضوری در زمینه تأثیر برنامه‌های فرادسی در آشنایی دانش‌آموختگان با بازار کار و کارآفرینی می‌پردازد، در جداول ۴، ۵، ۶، ۷ و ۸ نشان داده شده است.

جدول ۴- بررسی تفاوت دیدگاه دانشجویان حضوری و نیمه‌حضوری در مورد اثر کارگاه‌ها در آشنایی با

بازار کار و کارآفرینی

نتیجه	ارزش P	مقدار t	انحراف معیار	میانگین	شاخص آماری
					گروه‌ها
قبول فرض تحقیق	۰/۵۹۵	-۰/۵۳۴	۱/۲۷	۳۲/۵۳	دانشجویان حضوری
			۱/۰۳	۳۳/۳۹	دانشجویان غیرحضوری

بین دیدگاه دانشجویان حضوری و نیمه‌حضوری در مورد تأثیر کارگاه‌های آموزشی بر آشنایی دانش‌آموختگان با بازار کار و کارآفرینی تفاوتی ($P\text{-value} = ۰/۵۹۵ > ۰/۰۵$) مشاهده نشد.

جدول ۵ - تفاوت دیدگاه دانشجویان حضوری و نیمه حضوری در مورد اثر دروس کارورزی و کارآفرینی بر

آشنایی با بازار کار

نتیجه	ارزش P	مقدار t	انحراف معیار	میانگین	شاخص آماری / گروه ها
قبول فرض تحقیق	۰/۸۱۲	-۰/۲۳۹	۰/۷۷	۲۴/۲۱	دانشجویان حضوری
			۰/۶۶	۲۴/۴۵	دانشجویان غیر حضوری

بین دیدگاه دانشجویان دانشگاه های حضوری و نیمه حضوری در مورد تأثیر پروژه های کارورزی و درس مبانی کارآفرینی بر آشنایی با بازار کار و کارآفرینی تفاوتی مشاهده نشد ($P\text{-value} = 0/812 > 0/05$).

جدول ۶ - تفاوت دیدگاه دانشجویان حضوری و نیمه حضوری در مورد تأثیر مشارکت در برگزاری

رویدادهای بزرگ ورزشی بر آشنایی با بازار کار و کارآفرینی

نتیجه	ارزش P	مقدار t	انحراف معیار	میانگین	شاخص آماری / گروه ها
قبول فرض تحقیق	۰/۸۰۲	-۰/۲۵۲	۰/۹۳	۳۴/۰۱	دانشجویان حضوری
			۰/۸۶	۳۳/۷۱	دانشجویان غیر حضوری

بین دیدگاه دانشجویان دانشگاه های حضوری و نیمه حضوری در مورد تأثیر مشارکت در برگزاری رویدادهای ورزشی بر آشنایی دانش آموختگان با بازار کار و کارآفرینی تفاوتی مشاهده نشد ($P\text{-value} = 0/802 > 0/05$).

جدول ۷ - تفاوت دیدگاه دانشجویان حضوری و نیمه حضوری در مورد اثر دوره‌های مربیگری و داوری بر

آشنایی با بازار کار و کارآفرینی

نتیجه	ارزش P	مقدار t	انحراف معیار	میانگین	شاخص آماری
					گروه‌ها
قبول فرض تحقیق	۰/۵۲۰	-۰/۶۴۷	۰/۶۰	۱۵/۸۶	دانشجویان حضوری
			۰/۴۱	۱۶/۳۲	دانشجویان غیر حضوری

بین دیدگاه دانشجویان دانشگاه‌های حضوری و دانشجویان نیمه‌حضوری در مورد تأثیر دوره‌های مربیگری و داوری بر آشنایی دانش‌آموختگان با بازار کار و کارآفرینی تفاوتی وجود ندارد ($P\text{-value} = 0/520 > 0/05$).

جدول ۸ - تفاوت دیدگاه دانشجویان حضوری و نیمه‌حضوری در مورد اثر دخالت و پشتیبانی دولت در

ارتقای روحیه کارآفرینی

نتیجه	ارزش P	مقدار t	انحراف معیار	میانگین	شاخص آماری
					گروه‌ها
قبول فرض تحقیق	۰/۴۸۶	-۰/۷۰۰	۰/۵۶	۱۷/۲۱	دانشجویان حضوری
			۰/۵۶	۱۷/۷۶	دانشجویان غیر حضوری

بین دیدگاه دانشجویان دانشگاه‌های حضوری و نیمه‌حضوری در مورد تأثیر دخالت و پشتیبانی دولت در ارتقای روحیه کارآفرینی تفاوتی مشاهده نشد ($P\text{-value} = 0/486 > 0/05$).

بحث و نتیجه گیری

یکی از نتایج پژوهش این است که دانشجویان میزان فراگیری مهارت های شخصی، فنی و مدیریتی از طریق دروس تخصصی دانشگاهی را اغلب با درجه زیاد ارزیابی کرده اند، همچنین دروس تخصصی این رشته، زمینه های نظری مهارت های کارآفرینی را پرورش می دهند و از نظر زمینه های عملی بروز مهارت های کارآفرینی ضعیف اند. نتایج این پژوهش با نتایج تحقیق عزیزیان کهن (۱۳۸۶)، طالبی و زارع یکتا (۱۳۸۷) و سان هانتر (۲۰۰۴) مبنی بر اینکه آموزش های رسمی از نظر تئوری مناسب ولی از نظر کاربردی و عملی برای کارآفرینی نامناسب اند و آموزش های ارائه شده از سوی دانشگاه با کارآفرینی دانشجویان رابطه ای ندارد، همخوانی دارد.

از نتایج دیگر این پژوهش این است که دانشجویان فعالیت های جنبی و کمک درسی دانشگاه های تربیت بدنی از جمله مشارکت در برگزاری رویدادهای بزرگ ورزشی، کارگاه های آموزشی، پروژه های کارورزی و درس مبانی کارآفرینی و دوره های مربیگری و داوری را در آشنایی با بازار کار و کارآفرینی مؤثر می دانند و با تشکیل این دوره ها موافق اند. نتایج این بخش تحقیق با نتایج تحقیق ملکی (۱۳۸۶)، حسینی لرگانی (۱۳۸۷)، طالبی و زارع یکتا (۱۳۸۷)، چاوشی (۱۳۸۸)، سان هانتر (۲۰۰۴) و راسموسن و سورهمیم (۲۰۰۶) مبنی بر اینکه اکتفا به آموزش های رسمی دانشگاهی و محتوای دروس این رشته در راستای پرورش و تقویت مهارت های کارآفرینی کافی نیستند و باید با برنامه های کمکی که موجب پرورش زمینه های عملی بروز مهارت های کارآفرینی می شوند، همسو و هماهنگ شوند، همخوانی دارد.

در بخش دیگر این پژوهش، به نقش دولت در پشتیبانی از فعالیت های کارآفرینانه دانشجویان پرداخته شد که دانشجویان با نقش دولت در پشتیبانی از فعالیت های کارآفرینانه کاملاً موافق اند و آن را مؤثرترین عامل در کارآفرینی تلقی می کنند. این یافته ها با نتایج تحقیقات باقری (۱۳۸۴) در مورد ارائه راهکارهای توسعه فرهنگ کارآفرینی از راه گسترش رقابت با کاهش انحصارهای دولتی و اصلاح قوانین و مقررات دست و پاگیر، ایجاد بسترهای لازم برای سرمایه گذاری و لزوم افزایش حمایت های مالی دولت و متولیان امر و نیز با نتایج عزیزیان کهن (۱۳۸۶) و چاوشی (۱۳۸۸) در مورد نقش دولت در حمایت از فعالیت های کارآفرینانه دانش آموختگان که آن را مؤثرترین عامل در ایجاد کارآفرینی بیان می کنند، مطابقت دارد.

دیدگاه دانشجویان دانشگاه‌های حضوری و نیمه‌حضوری در زمینه تأثیر برنامه‌های فرادرسی در آشنایی دانش‌آموختگان با بازار کار و کارآفرینی مقایسه شد که بین دیدگاه دانشجویان دانشگاه‌های حضوری با میانگین ۲۴/۷۶ و دانشجویان دانشگاه‌های نیمه‌حضوری با میانگین ۲۵/۱۲ در زمینه تأثیر کارگاه‌های آموزشی، دوره‌های مربیگری و داوری، مشارکت در برگزاری رویدادهای ورزشی، پروژه‌های کارورزی و نقش دولت در آشنایی دانش‌آموختگان با بازار کار و کارآفرینی تفاوتی مشاهده نشد و هر دو گروه از دانشجویان با تأثیر این دوره‌ها موافق بودند.

باتوجه به نتایج پژوهش، برنامه‌های مذکور که فراتر از برنامه‌های درسی رسمی دانشگاهی ارائه می‌شوند، بیشترین تأثیر را روی پرورش مهارت‌های کارآفرینانه و آینده‌شغلی دانش‌آموختگان دارند. این برنامه‌ها در واقع تجربه عملی و دست اول برای دانشجویان هستند و بهترین ابزار برای تبدیل نظریه به عمل به‌شمار می‌روند. این برنامه‌ها قابلیت‌های دانش‌آموختگان برای اشتغال در آینده را افزایش می‌دهند، همچنین تلاشی برای پیوند بین محیط عملی و مراکز آموزشی‌اند.

حمایت‌ها و پشتیبانی دولت اگرچه از نظر دانشجویان عامل مهمی تلقی می‌شود و این تأثیر زمانی وجود دارد که دولت بتواند از فعالیت‌های کارآفرینی حمایت کند، ولی اغلب به دلایلی از جمله عدم ثبات قوانین، دانش‌محور نبودن، به‌روز نبودن قوانین، عدم مشارکت بخش خصوصی در تعیین راهبردهای کلان کشور، عدم حمایت کافی از بخش خصوصی، فقدان قوانین حمایتگر به‌منظور حمایت‌های لازم از کارآفرینان، عدم انعطاف قوانین، موانع موجود در قانون کار، قوانین پولی بانکی و قانون تأمین اجتماعی، عدم ثبات و کوتاه بودن عمر بخشنامه‌ها و تضاد محتوایی آنها دولت نمی‌تواند نقش حمایتی خود را به درستی در ارتقای روحیه کارآفرینی ایفا کند.

با ملاحظه موانع و مشکلات مطرح‌شده، می‌توان نتیجه گرفت که برای هموار ساختن مسیر تحقق کارآفرینی و خوداشتغالی دانش‌آموختگان دانشگاهی، بهتر است دولت با کاهش انحصار خود، زمینه و بستر حضور بخش خصوصی را از تعیین راهبردها گرفته تا اجرا فراهم نموده و با واگذاری بیشتر موضوع اشتغال به بخش خصوصی، با حمایت‌های مالی و اصلاح قوانین، نظارت کلان بر آن را عهده دار باشد و از دخالت در اجرا و تصددهای خود در جزئیات اشتغال و کارآفرینی بپرهیزد، ضمن اینکه بهره‌گیری از صدا و سیما به عنوان رسانه ملی را باید پیش از

گذشته به خدمت گرفت تا برای تغییر نگرش آحاد مردم در فرهنگ سازی اشتغال غیردولتی، مشارکت بخش خصوصی و فضا سازی لازم برای امنیت سرمایه بخش خصوصی اقدام مناسب تری صورت گیرد.

منابع و مآخذ

۱. احمدزاده، نسرین. (۱۳۸۶). "بررسی میزان توجه برنامه درسی دوره کارشناسی رشته علوم تربیتی به پرورش مهارت های کارآفرینی از دیدگاه فارغ التحصیلان دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی"، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی.
۲. باقری، بهرام. (۱۳۸۴). "موانع کارآفرینی در ایران"، نشریه ایران.
۳. چاوشی، زهرا. (۱۳۸۸). "نقش سرفصل کارشناسی ارشد تربیت بدنی و علوم ورزشی در تأمین مهارت های کارآفرینی دانش آموختگان از نظر کارفرمایان"، دانشگاه پیام نور، پایان نامه کارشناسی ارشد تربیت بدنی.
۴. حسینی لرگانی، سیده مریم. (۱۳۸۷). "آموزش کارآفرینی در هزاره جدید"، زیرساختی برای اشتغال دانش آموختگان آموزش عالی"، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۵۰، صص ۱۳۷ - ۱۲۰.
۵. درستکار، عزت ا...، (۱۳۸۴). "بررسی تأثیر آموزش رسمی بر توزیع درآمد در ایران"، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم سیاسی و اقتصادی.
۶. سعیدی مهرآباد، محمد؛ مهتدی، محمدمهدی. (۱۳۸۷). "تأثیر آموزش کارآفرینی بر توسعه رفتارهای کارآفرینانه"، توسعه کارآفرینی، سال اول، شماره دوم، زمستان، صص ۷۳ - ۵۷.
۷. سلیمی، حسین. (۱۳۸۴). "تأثیر آموزش های رسمی کشاورزی در اشتغال و کارایی فارغ التحصیلان کشاورزی شاغل در تعاونی های کشاورزی شهرستان کرج"، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، پایان نامه کارشناسی - ارشد، ترویج و آموزش کشاورزی.

۸. طالبی، کامبیز. زارع یکتا، محمدرضا. (۱۳۸۷). "آموزش کارآفرینی دانشگاهی و نقش آن در ایجاد و توسعه شرکت‌های کوچک و متوسط (SMEs) دانش بیان"، فصلنامه علمی - پژوهشی توسعه کارآفرینی، سال اول، شماره ۱، صص ۱۳۱ - ۱۱۱.
۹. عزیزیان کهن، نسرین. (۱۳۸۸). "بررسی نیازهای آموزشی دانشجویان رشته تربیت بدنی در راستای روحیه کارآفرینی"، تهران، نشریه علمی - پژوهشی حرکت.
۱۰. فراهانی، ابوالفضل؛ شعبانی مقدم، کیوان. (۱۳۸۸). "قواعد پژوهشگری در تربیت بدنی با تاکید بر نگرش پایان نامه و مقاله". انتشارات اندیشه های حقوقی.
۱۱. فروغی پور، حمید. (۱۳۸۴). "زمینه‌های کارآفرینی در ورزش از دیدگاه مدیران و متخصصان تربیت بدنی کشور و ارائه راهکار"، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، رساله دکتری تربیت بدنی
۱۲. ملکی، بهاره. (۱۳۸۶). "کارآفرینی در دانشگاه‌ها"، رویش، تدبیر، شماره ۱۸۲، ۶۰.
13. Ashomre, C. (2004). "Criteria for youth entrepreneurship". *Education, Columbus*.
14. Baharun, R. and Sheik Ahmad, F. (2002). "Access to human capital in entrepreneurship education: a comparison of male and female student in technical disciplines", *akauntant national, Sep. PP:30-33*.
15. Chung, K.C. (2004). "Entrepreneurial opportunity identification through of bisociative mode of thinking, unpublished doctoral dissertation". *University of Hong Kong*.
16. Dabalén, A., Oni, B. and Adekola, O. (2000). "Labor market prospect of university graduates in Nigeria". *The design of the Nigeria university system innovation project. No. PP:1-43*.
17. David urbano, Marines Aponte and Nuria toledano, (2008). "Doctoral education in entrepreneurship: a European case study". *journal of small business and enterprise development, Vol. 15, No. 2*.

18. Hisrich, R., Peters. M. and Dea, S., (2005). "Entrepreneurship", Mc Grow Hill, New York.

19. Michael C. Brennan, A.P. Wall, P.MC Gowan, (2005). "Academic entrepreneurship assessing preferences in nascent entrepreneurs". *Journal of small and enterprise development*. Vol. 12, PP: 307-322.

20. Rasmussen, E.R. Sorheim. (2006). "Action – based entrepreneurship education", *technovation*, Vol. 26, Issue 2, Feb. PP: 185-194.

21. Son – Hunter, Pajage Johnson, (2004). "Educational experiences of habitual entrepreneurs doctoral dissertation". *University of the incarnate word*.

22. Vuuren, Jurie. Van, Nieman. Gideon. (2005). "Entrepreneurship education and training": a model for syllabi / curriculum development.

